

جرم افشای اسرار در فقه امامیه، حنفی و حقوق جزای افغانستان

محمد عیسی هاشمی^۱

عزت الله نوری^۲

۱. دکترای فقه قضایی و عضو هیأت علمی دانشگاه بین المللی المصطفی (ص) - افغانستان

۲. ماستری فقه قضایی

چکیده

این تحقیق جرم افشای اسرار را از دیدگاه‌های مختلف یعنی فقه امامیه، فقه حنفیه و حقوق جزای افغانستان مورد بحث و تحلیل قرار داده است. افشای اسرار در هر سه دیدگا؛ یعنی فقه امامیه، فقه حنفیه و حقوق جزای افغانستان از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار است. طوری که علمای هر دو فقه و قانون‌گذاران افغانستان بدان توجه مبذول داشته‌اند و افشای اسرار را به بخش‌های گوناگون تقسیم بندی نموده‌اند. تعدادی را اجازه افشا دادند و تعدادی از این اسرار را اجازه افشای آن را نداده‌اند بلکه حرام، زشت و جرم شمرده‌اند. بدین لحاظ، جرم افشای اسرار در فقه از نظر فقها و قانون جزای افغانستان دارای شرایط و حالات خاص است. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که جرم افشای اسرار در فقه امامیه زشت و ناروا شمرده شده و از جرایمی است که مرتکب عقوبت و عذاب الهی را در پی دارد.

واژه‌گان کلیدی: جرم، افشا، اسرار، افشای اسرار، حقوق جزا.

مقدمه

جرم افشای اسرار، از جمله جرائم خطرناک ضد اجتماع بشری، خلاف عرف و اخلاق عامه کشورهای جهان بوده و برای مرتکبین آن طبق قوانین کشورها مجازات تعیین گردیده است. جرم افشای اسرار از جمله سنگین‌ترین جرائم است که نظام سیاسی و اجتماعی انسان‌ها را به مخاطره می‌اندازد و دولت‌های جهان در صدد آن شده‌اند که برای محو و کاهش این عمل زشت و ویرانگر که بی‌اعتمادی و عدم باورمندی انسان‌ها را علیه یکدیگر تحریک و احساس بشری آن‌ها را خدشه‌دار می‌سازد، مجازاتی را برای اصلاح جامعه و مرتکبین آن‌ها تعیین نموده‌اند.

قانون‌گذاران کشور ما افغانستان نیز برضد این عمل زشت و خلاف اخلاق عامه به‌خاطر محو و کاهش این جرم یک‌سری قوانین را در کود جزاء و سایر قوانین کشور وضع کرده تا جهت جلوگیری از این اعمال ناپسند که زندگی فردی، اجتماعی و نظام سیاسی کشور را به مخاطره می‌اندازد، نافذ و به اجراء گذاشته شود.

پس جرم افشای اسرار را چنین می‌توان تبیین نمود: «شخصی که به حکم وظیفه، کسب، پیشه، صنعت، فن و یا به‌لحاظ طبیعت کار خود به سری از اسرار، علم حاصل نماید و آن را در غیراز حالات مصرحه قانونی افشاء نماید، یا آن را به منفعت خود یا شخص دیگری استعمال کند، مرتکب جرم افشای اسرار شناخته شده، مستوجب مجازات شناخته می‌شود. با وصف همه ناهنجاری‌های که در قوانین کشور در مورد جرم فوق دیده می‌شود، باید تحقیقات همه جانبه مفید و راهکارهای پیش‌گیرانه در این مورد، توسط خبرگان این فن ارائه می‌گردید که متأسفانه، نگردیده است. در این تحقیق تلاش می‌نمایم تا دریابیم که فقه اسلامی و قانون جزای افغانستان برای این جرم شنیع چه راهکارها و مجازاتی را تعیین نموده است.

۱. مفهوم شناسی

۱-۱. جرم

الف) جرم در لغت

مجمع البیان و اقرب الموارد و صحاح اللغه آن جرم را به معنای قطع گرفته‌اند. به عقیده طبرسی گناه را از آن جهت جرم می‌گویند که عمل واجب الوصل را قطع می‌کند. به نظر صاحب قاموس قرآن برای جرم سه معنا در کتب لغت بیان شده است. قطع و کسب و حمل، ولی ایشان جرم را به معنای قطع گرفته و می‌گویند گناه را بدان سبب جرم می‌نامند چون شخص را از سعادت و رحمت خدا قطع می‌کند.

«جَرَمٌ یَجْرِمُ جَرْمًا اِی قَطْعُهُ الْجُرْمُ بِالضَّمِّ الذَّنْبُ» «جرم یجرم جرماً به معنای قطع کردن و جُرْم با ضمه به معنای گناه به کار برده می‌شود. جَرَم اِی اِکْتِسَابُ وَ اِذْنَبُ» «جَرَم به معنای کسب کردن و گناه کردن استعمال شده است» در لسان العرب هم جرم به همین معنا آمده است. همان طور که ملاحظه شد در لغت جرم به معنای گناه و خطا می‌باشد. (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ۷۸)

ب) جرم در اصطلاح

در تعریفی که کنفرانس اجرای حقوق کیفر اسلامی و اثر آن در مبارزه با جرائم از جرم آورده است می‌گوید: جرم مخالفت با اوامر و نواهی کتاب و سنت، یا ارتکاب عملی است که به تباهی فرد یا جامعه بینجامد. هر جرم را کیفری است که شارع بدان تصریح کرده و یا اختیار آن را به ولی امر یا قاضی سپرده است. علی‌رغم تعاریف بسیاری که درباره پدیده جرم ارائه شده، هنوز تعریفی از جرم که در کلیه زمان‌ها و مکان‌ها مورد قبول همگان باشد در دست نیست، بلکه هر یک از صاحب نظران به اقتضای رشته‌های علمی و تخصصی خود جرم را تعریف کرده‌اند. (یعقوب بن ابراهیم، ۱۳۹۶، ۵۴)

ج) مفهوم فقهی جرم

جرم عبارت است از انجام دادن فعل یا بر زبان راندن سخنی که اسلام آن را حرام شمرده است و بر فعل آن جزای مقرر داشته است. یا ترک فعل یا قول که قانون اسلام آن را واجب شمرده و بر ترک جزایی مقرر داشته است. عده‌ای از حقوق‌دانان معتقدند که نقض قانون هر کشوری در اثر عمل خارجی در صورتی که انجام وظیفه یا اعمال حق آن را تجویز نکند و مستوجب مجازات هم باشد، جرم نامیده می‌شود. (بختیاری، ۲۰۱۹، ۴۷)

در متون فقهی برخلاف متون حقوقی آن‌چنان به تعریف جرم پرداخته نشده است بلکه بیشتر به طبقه‌بندی آن‌ها به حسب مجازات اکتفا شده است.

د) مفهوم حقوقی جرم

تعریف جرم در قوانین جزای کشورهای که اصل قانونی بودن جرم و مجازات را به‌منظور حفظ آزادی فردی پذیرفته‌اند، متفاوت است. در قانون جزای افغانستان جرم به‌طور مشخص تعریف نشده است، اما در مورد جرم ماده دوم و سوم قانون جزا چنین صراحت دارد: ماده دوم: «هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود مگر به‌موجب قانون». ماده سوم: «هیچکس را نمی‌توان مجازات نمود مگر مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد». (عبدالرحمن، ۱۳۹۱، ۷۸)

در اصطلاح حقوق، جرم به فعل یا ترک عملی که بر اساس قانون، قابل کیفر و یا مستلزم اقدامات تأمینی و تربیتی باشد، تعریف شده است. بنابراین بین تعریف فقهی و حقوقی، عموم و خصوص من وجه است یعنی برخی از اعمال از منظر فقهی جرم هستند و از منظر حقوقی جرم تلقی نمی‌شوند مانند غیبت و بالعکس از دیدگاه قانون برای این که عملی جرم محسوب شود و قابل مجازات باشد اجتماع چند عامل و ترکیب آن‌ها با یکدیگر لازم است. البته باید دانست این تقسیم‌بندی عناصر متشکله جرم از مختصات حقوق جزای موضوعه است و

با آنچه فقها پیرامون عناصر تشکیل دهنده جرم گفته‌اند متفاوت است.

در فقه برای تحقق جرم وجود سه عامل زیر ضرورت دارد:

۱. ادله جرم

۲. تحقق عمل مادی خارجی

۳. شرایط عامه تکلیف

در اصطلاح حقوقی برای تحقق جرم وجود سه شرط و سه عنصر ضروری می‌باشد:

الف. عنصر قانونی: مراد از عنصر قانونی این است که هیچ عملی جرم نیست مگر اینکه قبلاً قانون آن فعل یا ترک فعل را جرم شناخته و برای آن مجازات تعیین کرده باشد. (اصل قانونی بودن جرم) (محمدجعفر، ۱۳۴۶، ۴۴)

۱-۲. افشاء

افشا در لغت به معنای «آشکار کردن و فاش نمودن» آمده است. «فَشَاءَ الشَّيْءُ فُشِيَ إِذَا ظَهَرَ وَمِنْهُ إِفْشَاءُ السَّرِّ إِذَا يَتَشَرُّ وَ ذَا» افشاء نزد اهل لغت به معنای اظهار و اعلان و ظهور می‌باشد که افشاء مصدر صناعی فعل فشای فشوا می‌باشد؛ که این اظهار کردن می‌تواند با گفتن یا نوشتن و یا انجام دادن فعلی انجام بگیرد که گاهی این افشای راز به صورت اجمالی صورت می‌گیرد و گاهی تفصیل، می‌تواند عمدی باشد یا غیر عمدی. گاهی عمومی است و گاهی خصوصی. گاهی شخص خودش مباشرتاً راز را برملا می‌کند و گاهی سبب افشای راز می‌باشد. در برخی از کتب اهل لغت افشاء را به معنای کثرت اظهار گرفته‌اند یعنی به فعل کسی که غالباً اسرار را فاش می‌کند افشاء گفته می‌شود. (محمدجعفر، ۱۳۴۶، ۴۴)

۱-۳. اسرار

الف) مفهوم لغوی اسرار

سر در لغت به معنای «هر چیزی مخفی و پوشیده شده» اطلاق می‌گردد؛ یعنی امری که انسان آن را در درون خود، مخفی نگه می‌دارد. گاهی مصلحت انسان،

اقتضا می‌کند که راز او فاش نشود و این مصلحت نیز، جز حقوق اساسی افراد می‌باشد. (تهرانی، ۱۳۷۴، ۲۰۶)

اسرار جمع سرّ به معنای امر پوشیده می‌باشد. «الَّذِي يَكْتُم» «کَلَّ امرِ یجب سِرُّه لتحقّق المضرة من اعلانه أو احتمالها» سرّ به هر چیزی که باید پوشیده بماند زیرا در اظهار آن یا ضرر وجود دارد و یا احتمال ضرر داده می‌شود. (تهرانی، ۱۳۷۴، ۲۰۶)

ب) مفهوم اصطلاحی اسرار

با توجّه به وضوح معنای سرّ یعنی وجود کتمان، در لسان فقها و کتب فقهی تعریفی برای آن نیافتیم. در کتاب الموسوعة الفقهية تعریفی برای سرّ ذکر شده است بدین ترتیب که: «السّر ما لا یرضی صاحبه بکشفه و اظهاره سواء کان قولاً أو فعلاً أو حالةً و سواء کان السّر بین الاثنین أو أكثر» راز آن چیزی است که صاحب آن راضی به برملا شدن آن نباشد؛ حال آن چیز می‌خواهد سخنی باشد یا کاری یا حالتی و چه این راز بین دو نفر باشد یا بیشتر. تهرانی هم در تعریف افشای اسرار می‌گوید: بازگوکردن آنچه از دید شرع سزاوار نیست را افشای سرّ می‌گویند. حال آن چیز از عیب‌ها و کاستی‌های خود یا دیگری است یا از محاسن و خوبی‌هایی که مایل به پنهان ماندن است از این رو افشای سرّ اعم از کشف عیوب است. (میرسیدعلی، ۱۳۷۷، ۶۵)

۲. افشای اسرار

۲-۱. افشای اسرار از نظر فقه

اسلام بر حفظ اسرار تأکید دارد؛ زیرا این امر، تمرینی است برای حفظ آبروی خویش و پاسداری از رازهایی که دیگران نزد شخص به امانت گذاشته‌اند. آنکه رازدار خویش نیست، نمی‌تواند اسرار دیگران را حفظ کند. از سوی دیگر، شخصی که در حفظ اسرارش، ناتوان یا نسبت به آن بی‌اعتناست، نباید توقع داشته باشد که مردم سر او را پوشیده نگاه دارند. (بخاری ۳۲، ۱۹۸۰: ۱۴۰۰)

امام رضا (علیه السلام) می‌فرماید: «امین به تو خیانت نکند، تویی که به خیانتکار امانت [یعنی راز خود را] سپردی». چه بسا انسان از بعضی اسرار دیگران آگاه شود، اما بنا به دستورات دین می‌بایست امین مردم بوده و با حفظ اسرار ایشان و عدم آشکارسازی آن‌ها که به هدفی جز مطامع نفسانی رخ نمی‌دهد، آبروی ایشان را نریخت و برای‌شان مشکل پدید نیاورد. «آبرو» از هر سرمایه‌ای بالاتر است و با رازداری می‌توان «آبروداری» کرد. (گلدوزیان، ۱۳۸۵، ۷۸)

۲-۲. اقسام جرم

عبدالقادر عوده در کتاب ارزشمند خود «التشريع الجنائي» جرم را بر دو قسم تقسیم کرده است: «فی تقسیم الجرائم به حسب طبيعتها الخاصة جرائم عادية و جرائم سياسيه أی البغی» ایشان قائل هستند که اسلام از همان ابتدا بین جرائم عادی و سیاسی فرق گذاشته و فرق بین این دو جرم را در انگیزه ارتکاب آن‌ها می‌داند.

علی‌رغم تصوّر برخی مبنی بر این که در شریعت مقدس اسلام بحث جرم سیاسی مطرح نگردیده است و اسلام توجّهی به جرائم سیاسی نداشته است، جرم سیاسی در متون اسلامی تحت عنوان کلمه بغی مطرح گردیده است. شاید منشأ این توهّم عدم وجود قوانین مربوط به جرم سیاسی به‌طور مستقل و جدایی از قوانین حدود و دیات و... در قوانین جمهوری اسلامی افغانستان باشد. لذا تا بحث از جرائم سیاسی به میان می‌آید فوراً به سراغ کتاب‌های حقوق‌دانان غربی می‌روند.

عنوان «بغی» از آیه سوره حجرات اخذ شده است که جنگ را بغی شمرده است که یکی از مصادیق بغی می‌باشد. در کتب روایی نیز چه شیعه و چه سنی منظور از بغی را همان جرم سیاسی معنا کرده‌اند. ابن حجر عسقلانی حدیثی را از ام سلمه از پیامبر نقل می‌کند که درباره عمار یاسر فرمود: «تقتل عماراً الفئه الباغیه» «عمار را گروه بغی‌کنندگان به شهادت رساندند».

مرحوم سید اسماعیل صدر در پاورقی کتاب التشریع الجنائی می‌نویسد: «البغی فی عرف الفقه الجعفری هو الخروج عن طاعة الامام كما فی کتاب الجواهر الکلام و المنتهی، بغی در فقه تشیع به معنای خروج از اطاعت امام معنا شده است مانند کتاب‌های جواهر الکلام و منتهی». مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء هم در کتاب کشف الغطاء در باب جهاد درباره بغی می‌نویسد: «یدخل فی البغاه کل باغ علی الامام او نائبه الخاص او العام ممتنع عن طاعته فیما امر به و نهی عنه»، هر کسی که بر امام یا نائب خاص یا عام وی خروج کند به طوری که اوامر و نواهی وی را اطاعت نکند باغی محسوب می‌شود.

برخی از فقها و پژوهشگران مانند سید حسن مرعشی و دکتر علیرضا فیض و دکتر محمد جعفر جعفری لنگرودی در ترمینولوژی حقوق هم بغی را همان جرم سیاسی می‌دانند. در کتاب ترمینولوژی حقوق هم بغی را بیرون شدن از حد و سامان معنا کرده است و اصطلاحاً بغی را مخالفت با اوامر دولت اسلامی می‌داند خواه این مخالفت مسلحانه باشد و خواه غیر مسلحانه. (احمد بن محمد، ۱۳۶۲)

۲-۳. اقسام افشاء

آنچه از آیات و روایات به دست می‌آید این است که ما سه نوع افشاء داریم: حرام، واجب، مستحب. اما آنچه که در دستورات دینی به عنوان افشای محرم آمده است، به سه نوع تقسیم می‌شود:

الف) افشای اسرار پیامبر، اهل بیت و صحابه

در این مسأله فرقی نمی‌کند که اسرار پیامبر و اهل بیت مرتبط با حکومت و مسلمین باشد و یا جزو اسرار شخصی آن‌ها باشد که در قرآن هر دو مورد اشاره شده و مورد مذمت قرار گرفته است. در همین قسم می‌توان از اسرار و معارفی که پیامبر و ائمه به برخی می‌گفتند و آن‌ها یا عمداً و یا سهواً آن را برای دیگران که یا از دشمنان بودند و یا از دوستانی که ظرفیت و تاب تحمّل این معارف را نداشتند فاش می‌ساختند، نام برد که در روایات این دسته را شریک قاتلان اهل

بیت شمرده‌اند. (بختیاری، ۲۰۱۹، ۴۷)

ب) افشای اسرار مؤمنین

در روایات نهی شدید از افشای سرّ مؤمن شده است و جناب محقق اردبیلی این را از مواردی شمرده است که مضرّ به عدالت می‌باشد.

در جامعه‌ی اسلامی به دلیل حاکمیت دین و دستورات الهی، فحشا و منکر به صورت مخفیانه و سرّی انجام می‌شود. هیچ کس حق ندارد اظهار کند آن عمل فحشا را، زیرا باعث تجرّی و ریختن قبح گناه می‌شود که در قرآن برای کسانی که دوستدار اشاعه‌ی فحشا هستند عذاب الیم و دردناک وعده داده شده است. (یعقوب بن ابراهیم، ۱۳۹۶، ۵۴)

ج) اقسام جرم افشای اسرار

مسأله وجوب حفظ و نگهداری آبرو، اسرار و حیثیت مسلمان از جمله موارد حیاتی بوده که باید تمام آن‌ها باید حفظ گردد و توجه عمیق نسبت به آن‌ها صورت گیرد از این لحاظ از جمله وظایف خیلی سنگینی که دین اسلام به آن توجه داشته، نگهداری حرمت و اسرار مؤمنین است. بنابراین تجسس و خبرچینی از اندرون زندگی مردم و امور پنهانی آنان جایز نیست و به هیچ شخص اجازه داده نمی‌شود که اسرار و لغزش‌های مردم را پخش و افشا نماید. چراکه زندگی مردم بر این دو اصل استوار و پابرجا است؛ یعنی حرمت تجسس و حرمت پخش اسرار شخصی مردم است که زندگی توده‌های مردم را استوار نگه‌میدارد. امنیت و آسایش خاطر همگان نیز فقط با مراعات این دو اصل فراهم می‌گردد. تجسس از این نظر که دربردارنده مصالح است یا خیر بر چند نوع می‌باشند.

۱. فقط به آگاهی از احوال شخص و بدون انگیزه عقلائی انجام گردد.

۲. با نیتی فاسد مانند هتک، پراکندن فحشا و آزردن مومنان صورت گیرد.

۳. با قصد و انگیزه‌ای درست انجام شود که خود به دو گونه است:

الف. جهت و هدف ضروری و لازم در بین باشد؛ مثل حفظ حکومت در قبال

رخنه کافر و منافق، کنترل از گسترش انواع فساد در جامعه، آگاهی از وضعیت تجهیزات و رفتار دشمن.

ب. منظور برتر و با ارزش در بین باشد؛ مثل پیدا کردن افراد با صلاحیت برای اعطای مناسب شایسته به آنها. در حرمت گونه اول و دوم و در آن جایی که مورد تجسس، عیوب باشد جای هیچ شکی نیست، زیرا قرآن و سنت به روشنی بر این امر دلالت دارند. آقای اردبیلی در تفسیر آیه ۱۲ سوره حجرات «ولاتجسسوا» می‌فرماید: «یعنی دنبال عیوب مسلمانان نباشید و نهی از دنبال کردن نقص‌های مسلمان در روایت زیادی آمده است؛ و نیز وی در ذیل آیه «إِنَّ الَّذِينَ يُحِبُّونَ أَنْ تَشِيعَ الْفَاحِشَةُ...» می‌فرمایند: یعنی آنها که قصد رواج فحشا و آشکار ساختن آن را دارند و برآنند تا با نسبت دادن زشت‌کاری به مومنان سبب رسوایی آنها شوند.

بخش دوم، از اقسام تجسس که افشای اسرار حکومت می‌باشد نیز با تمسک به ادله اربعه حرام و قابل مجازات و جرم است. بنابراین، جرم افشای اسرار اقسام و انواع مختلفی دارد؛ طوریکه می‌توان از جرم افشای اسرار شخصی، جرم افشای اسرار خانوادگی، جرم افشای اسرار حکومتی یاد نمود.

پس به‌طور کلی جرم افشای اسرار به دسته کلی تقسیم‌بندی می‌شود:

نوع جرم افشای اسرار شخصی یا فردی

نوع جرم افشای اسرار خانوادگی یا فامیلی

نوع جرم افشای اسرار حکومتی یا دولتی.

چگونگی جرم افشای اسرار در فقه امامیه

انسان‌ها در طول زندگی خود و در اثر برخورد با حوادث، صاحب اسراری می‌شوند که این اسرار از نظر اخلاقی، عرفی، شرعی و حقوقی می‌بایست در صندوقچه قلب آنان و هرآن‌کس که از آن اسرار خبر دارد، پنهان بماند. قوانین شرعی و حقوقی در پاره‌ای از موارد، فرد خاطی و افشاءکننده را مجازات می‌کند.

از نظر بزرگان و پیشوایان دینی نیز آبرو و عرض مردمان بسیار محترم شمرده شده است تا آنجا که به شخص خاطی وعده عذاب اخروی داده شده است. در پاره‌ای از موارد به جهت حفظ مصالح و رعایت حقوق جامعه و همچنین برقراری امنیت عمومی مردم، شارع مقدس و قانون‌گذار، ناچار است اجازه بروز و آشکار شدن برخی از اسرار را بدهد که البته این موارد احصاء گردیده‌اند و قانون‌گذار تجاوز از این موارد را جرم تلقی می‌کند. بناءً در این پایان نامه برآن شدیم که جرم افشای اسرار را از نظر فقهی و حقوق جزای افغانستان به بررسی گیریم.

جرم افشای سر تحت عناوین سخن چینی، خیانت در امانت، غیبت، افشای سر و پیمان‌شکنی و در قالب استفتائات پزشکی مورد بحث قرار گرفته است. طوریکه از دیدگاه صاحب موسعه الفقهیه جرم افشای سر دارای احکام مختلفی است که بستگی به نوع متعلق آن دارد. لذا حرام یا واجب و یا مستحب است. موارد حرمت جرم افشای اسرار عبارت از فاش کردن راز مؤمنین، فاش کردن اسرار پیامبر و ائمه، افشای فاحشه (کار بسیار زشت) است. علاوه بر این، از دیدگاه صاحب کشف الریبه حقیقت سخن چینی فاش کردن راز و پرده دری در مورد چیزی است که انسان فاش شدن آن را دوست نمی‌دارد و نتایج بدی را به دنبال دارد. همچنین در رابطه با ضرورت حفظ اسرار بیمار آمده است: «پزشک به دلیل نوع شغلش همواره با برخی از اسرار بیماران آشنا می‌شود. وی هیچ گاه حق افشای این اسرار را برای سایر اشخاص ندارد. (یعقوب بن ابراهیم، ۱۳۹۶، ۵۴)

چگونگی جرم افشای اسرار در فقه حنفی

به نظر فقهای احناف و یا سنت و الجماعت رازداری یکی از مهم‌ترین موضوعات به‌شمار می‌رود. طوری که استناد می‌کنند که: انس بن مالک -رضی الله عنه- خدمتکار رسول خدا صلی الله علیه و سلم بود. یکی از روزها داشت با پسریچه‌های مدینه بازی می‌کرد، پیامبر صلی الله علیه و سلم نزد آنان آمده و به آنان سلام کرد و کاری را به انس سپرد. پس از آنکه انس وظیفه‌اش را به

انجام رسانید پیش مادرش برگشت. مادرش از او علت دیرکردنش را پرسید. انس پاسخ داد: رسول الله صلی الله علیه و سلم کاری را از من خواسته بود. مادرش پرسید: چه کاری؟ انس پاسخ نداده و گفت: این یک راز است. مادر انس از این کار وی خوشنود شده و رازداریش او را شگفت‌زده نمود و به او گفت: کسی را از راز رسول خدا صلی الله علیه و سلم باخبر مساز.

جرم افشای اسرار در قانون جزای افغانستان

رفتارها و اسنادی که دارای جنبه‌های اسرار و راز است، هم در زندگی شخصی و هم در زندگی اجتماعی افراد وجود دارد و جزو ضرورت‌های زندگی انسانی است. برخی افراد به اعتبار شغل و حرفه و وضع خاص اجتماعی خود ممکن است از اسرار و رازهای مردم اطلاع یافته و اگر اسرار را فاش نمایند ضرری که در اثر افشای آن حاصل می‌شود متوجه جامعه می‌گردد؛ لذا لزوم حفظ اسرار مردم و ناروا بودن افشای آن یک تکلیف اخلاقی و شرعی است که علاوه بر آن مورد حمایت کیفری نیز قرار گرفته است. از همین رو قانون‌گذار در راستای تقویت بنیان اعتماد میان افراد جامعه نسبت به یکدیگر و تأمین حقوق اجتماعی و اعتماد و اطمینان به افرادی که داری شغل و حرفه خاص می‌باشند مبادرت به جرم‌انگاری جرم افشای اسرار حرفه‌ای و شغلی نموده است. (محمد بن مکرم، ۱۴۱۴۰، ۲۴)

ملاک مجازات برای مرتکب افشای اسرار اعتمادی است که مردم در مراجعات خود به بعضی از مشاغل نظیر طبیب، وکیل مدافع، کارشناس رسمی و غیره دارند و مردم به خاطر همین اعتماد است که به راحتی اسرار خود را در اختیار آن‌ها قرار می‌دهند. حال اگر این اشخاص و کسانی که اقتضای وظیفه‌شان دسترسی به اسرار هستند اگر اسرار مردم را افشا نمایند باعث بی‌اعتمادی در جامعه شده و این بی‌اعتمادی موجب ورود خسارات شدیدی به جامعه خواهد شد. البته دامنه و محدوده حفظ اسرار مردم تا جایی است که قانون اجازه افشای آن را داده باشد. هر کجا که قانون افشای اسرار مردم را لازم دانسته باشد دیگر افراد ملزم به حفظ

اسرار نمی‌باشند و افشای اسرار به قدر نیاز در نزد مقام صالح منع قانونی ندارد. کود جزا با دوشیوه در حمایت از حفظ اسرار شخصی و دولتی افشای اسرار را جرم‌انگاری کرده است. شیوه اول در برخی از موارد به صورت خاص و موردی افشای اسرار را جرم شناخته؛ مانند ماده ۲۳۸ کود جزا راجع به افشای اسرار نظامی، دفاعی و امنیتی یا جزء ۴ ماده ۳۳۰ در باره افشای اسرار هسته‌ای یا فقره (۱) ماده ۴۱۳ افشای اسرار اداری یا ماده ۴۶۲ در مورد افشای هویت شاهد یا ماده ۷۵۸ در باره افشای اسرار تجارتي و سایر موارد خاص که در کود جزا ذکر شده است. شیوه دوم آن است که به صورت عام افشای اسرار را جرم دانسته و در هر مورد که افشای اسرار انجام شود و حکم موارد خاص که شامل آن شود مطابق فصل چهاردهم باب هفتم کود جزا قابل تعقیب و محاکمه است که به شرح آن می‌پردازیم:

ماده ۶۲۷: شخصی که به حکم وظیفه، کسب، پیشه، صنعت، فن و یا به لحاظ طبیعت کار خود به سری از اسرار، علم حاصل نماید و آن را در غیر از حالات مصرحه قانونی افشا نماید یا آن را به منفعت خود یا شخصی دیگری استعمال کند، مرتکب جرم افشای اسرار شناخته شده به حبس قصیر یا جزای نقدی از سی هزار تا شصت هزار افغانی محکوم می‌گردد.

جرم افشای اسرار خانوادگی

ماده ۶۲۸: شخصی که با استفاده از وسایل علنی اسرار فامیلی دیگری را به غیر از حالات مندرج ماده ۸۶۶ این قانون افشا کند گرچه حقیقت داشته باشد به جزای نقدی از ده تا سی هزار افغانی محکوم می‌گردد. این موارد نیز در قانون جزای سال ۱۳۵۵ صراحت داشته در پهلوی مجازات نقدی از ۱۲ هزار افغانی تجاوز نکند، حبس قصیر را نیز در نظر گرفته بوده. چنانچه این قانون در ماده ۴۴۶ تصریح می‌کند که اشخاص آتی به حبس قصیر یا جزای نقدی که از ۱۲ هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد. (ماده ۶۲۸ کود جزا)

شخصی که به یکی از وسایل علنی، اخبار، تصاویر یا لوحه‌ها را که به اسرار زندگانی، فامیلی یا عایلوی افراد ارتباط داشته باشد افشا نماید، گرچه حقیقت داشته باشد.

شخصی که در تلفون یا توسط مکتوب ارسالی به اسرار علم حاصل نماید، به قصد ضرر آن را افشاء نماید. (ماده ۴۴۶ قانون جزا، ۱۳۵۵)

برای اینکه خانواده پایه و رکن اساسی جامعه است و سلامت جامعه ناشی از سلامت خانواده است. از این رو حفظ حرمت و حیثیت خانواده مورد تأکید دین و آموزه‌های اسلامی است و به همین دلیل کود جزا حمایت ویژه‌ای از حرمت و حیثیت خانواده نموده و افشای اسرار خانواده از طریق وسایل علنی را جرم‌انگاری کرده است. وسایل علنی مانند رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، مکان‌های عمومی و غیره که در جز ۲ ماده ۴ کود جزا تعریف و مصادیق آن بیان شده است.

عنصر مادی این جرم عبارت از افشای اسرار خانوادگی دیگری از طریق وسایل علنی که افشای سر در این ماده غیر از ارتکاب جرم افشای اسرار ماده ۸۶۶ کود جزا است. ماده ۸۶۶ بیانگر افشای سر و معلومات خانوادگی و غیر خانوادگی از طریق فضای سایبری است که از بابت موضوع جرم محدوده آن وسیع است و اما از جهت وسیله افشای معلومات محدود به فضای سایبری است و از این جهت خاص است. حال اگر شخصی اسرار خانوادگی فرد دیگری را بدون جواز قانونی فاش نماید و هرچند محتوای اسرار که فاش شده حقیقت داشته باشد، مرتکب جرم افشای اسرار خانوادگی کافی است و نیاز نیست که با افشای سر به صاحب آن ضرر هم وارد گردد. برای مثال، شخصی فلم خانوادگی فرد دیگری را در اختیار دارد که وسایل بصری مانند ویدیو و غیره به نشر بگذارد مرتکب جرم افشای سر خانوادگی شده است. جرم از نوع عمدی است لذا عنصر معنی آن عبارت است از اینکه شخصی با علم و قصد اسرار خانوادگی فرد دیگری را فاش نماید. (شرح کود جزا، جلد سوم، ۱۳۹۸، ص ۳۹۰-۳۹۱)

جرم افشای اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور

جرم افشای اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور عبارت از افشای اسراری است که مربوط نهادهای نظامی، دفاعی و امنیتی کشور می‌گردد. چنانکه فقره ۱ ماده ۲۳۷ کود جزا اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی را چنین تعریف نموده است: «اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور: عبارت است از مکتوب، نوشته سند، رسم، نقشه، تصویر، نمودار، کست، فلم، مایکرو فلم، سند دیجیتلی، سند سایبری، گفتار شفاهی و سایر وسایلی است که: (محمد بن مکرم، ۱۴۱۴، ۲۴)

حاوی اطلاعات دفاعی، نظامی، سیاسی، دیپلماتیک، اقتصادی و صنعتی مربوط به امور نظامی یا دفاعی بوده و بنابر مصلحت کشور غیر از موظف خدمات عامه مربوط، دیگران حق دسترسی به آن را نداشته باشند.

به تشکیلات و سوقيات نظامی، وسایل جنگی، امور نظامی و ستراتیژیکی مربوط بوده و از طرف مقامات ذیصلاح به نشر آن اجازه تحریری صادر نشده باشد.

به تدابیر و اجرااتی مربوط بوده که برای کشف جرائم مندرج این فصل یا تحقیق از مرتکبین آن اتخاذ می‌گردد و افشای آن‌ها بدون اجازه تحریری مقامات ذیصلاح ممنوع باشد.

همچنین در قانون جرائم عسکری نیز افشای اسرار و یا تسلیمی آن به دشمن را جرم‌انگاری نموده است طوری که تصریح داشته که:

ماده چهل و یکم قانون پیرامون افشای معلومات عسکری حاوی اسرار دولتی:

افشای معلومات عسکری حاوی اسرار دولتی که هدف آن خیانت به وطن نباشد مستلزم جزای حبس از دو الی پنج سال می‌باشد.

مفقودی اسناد حاوی معلومات عسکری یا اشیای که معلومات در مورد آن‌ها حیثیت اسرار دولتی را داراست توسط شخص معتمد این اسناد یا اشیاء در اثر نقض مقررات استفاده و نگهداری اسناد و اشیای مذکور مستلزم جزای حبس از یک الی چهار سال می‌باشد.

اگر اعمال مندرج فقرات (۱ و ۲) این ماده موجب عواقب سنگین گردد مستلزم جزای حبس از پنج الی پانزده سال می‌باشد.

افشای معلومات عسکری که ابلاغ آن ممنوع بوده ولی حیثیت اسرار دولتی را نداشته باشد مستلزم جزای حبس از یک الی سه سال می‌باشد.

از طرف دیگر، کود جزای افغانستان در ماده ۲۳۸ تصریح داشته است که اجزای جمع‌آوری معلومات حاوی اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور، به‌منظور تسلیم دهی آن به دولت خارجی، سازمان یا گروه ضد دولتی یا گماشتگان آن‌ها، سرقت، تلف یا تزویر استاد حاوی اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور و افشای اسرار نظامی، دفاعی یا امنیتی کشور به اشخاص یا دولت خارجی یا شخصی که به نفع آن‌ها کار می‌کند یا به گروه‌های مسلح مخالف دولت جمهوری اسلامی افغانستان آن را خیانت ملی گفته است. از این رو افشای اسرار نظامی، دفاعی و امنیتی کشور مشمول جرم خیانت ملی بوده و در کود جزای افغانستان جواز نداشته و قانونگذار آن را شامل جرم خیانت ملی دانسته است. و نیز این موارد قبلاً در قانون جزای سال ۱۳۵۵ در ماده ۱۹۱ در نظر گرفته شده بود که چنین تصریح گردیده است:

هرگاه شخص به دولت خارجی یا اشخاصی که به نفع آن دولت کار می‌کنند، اخبار، معلومات، اشیاء، مکاتب، اسناد، نقشه‌ها، رسم‌ها و سایر اشیای مربوط به دوایر حکومتی، تصدی‌های دولت یا مؤسسات عام المنفعه که به مصالح سیاسی یا دفاعی کشور مربوط نباشد و نشر و توزیع آن به اشخاص خارجی مطابق به احکام قانون یا مقررات ممنوع شناخته شده باشد، تسلیم نماید، به حبس متوسط یا جزای نقدی که از ۱۲ هزار افغانی کمتر و از ۶۰ هزار افغانی بیشتر نباشد محکوم می‌گردد. چنانکه خیانت به کشور عبارت است از سوءقصد بر ضد امنیت کشور به‌وسیله ایجاد ارتباط با کشور دیگری که دارای سلطه و استقلال است. باید توجه داشت که مبنای جرم بودن این عمل در حقیقت پیمان‌شکنی، بی‌وفایی، وزیر پا گذاشتن حقی است که یک کشور و دولت به عهده شهروندان خود دارد.

جرم افشای اسرار شخصی

ماده ۸۶۸ کود جزا: (۱) شخصی که به وسیله سیستم کمپیوتری یا مخابراتی صوت یا تصویر یا فیلم خصوصی دیگری را بدون رضایت و علم وی در فضای سایر منتشر کند یا در دسترس دیگران قرار دهد به نحوی که منجر به ایجاد ضرر مادی یا معنوی یا موجب هتک حرمت حیثیت وی شود به حبس متوسط تا دو سال یا جزای نقدی از شصت هزار تا یک صد و بیست هزار افغانی محکوم می‌گردد. (۲) شخصی که به وسیله سیستم کمپیوتری یا مخابراتی فیلم یا صوت یا تصویر خصوصی دیگری را تغییر دهد یا تحریف یا منتشر کند یا آن را با وجود آگاهی از تغییرات یا تحریف نشر کند به نحوی که موجب هتک حیثیت وی شود به حبس متوسط بیش از سه سال یا جزای نقدی از شصت تا یک یکصد و هشتاد هزار افغانی محکوم می‌گردد. (۳) تعقیب عدلی جرائم مندرج فقره‌های (۱ و ۲) این ماده مشروط به شکایت مجنی علیه می‌باشد. (عاملی، ۱۳۶۰، ۲۱)

جرم افشای اسرار خانوادگی

ماده ۶۲۸: شخصی که با استفاده از وسایل علنی اسرار فامیلی دیگری را به غیر از حالات مندرج ماده ۸۶۶ این قانون افشا کند گرچه حقیقت داشته باشد به جزای نقدی از ده تا سی هزار افغانی محکوم می‌گردد. این موارد نیز در قانون جزای سال ۱۳۵۵ صراحت داشته در پهلوی مجازات نقدی از ۱۲ هزار افغانی تجاوز نکند، حبس قصیر را نیز در نظر گرفته بوده. چنانچه این قانون در ماده ۴۴۶ تصریح می‌کند که اشخاص آتی به حبس قصیر یا جزای نقدی که از ۱۲ هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد:

شخصی که به یکی از وسایل علنی، اخبار، تصاویر یا لوحه‌ها را که به اسرار زندگانی، فامیلی یا عایلوی افراد ارتباط داشته باشد افشا نماید، گرچه حقیقت داشته باشد.

شخصی که در تلفون یا توسط مکتوب ارسالی به اسرار علم حاصل نماید، به

قصد ضرر آن را افشاء نماید.

برای اینکه خانواده پایه و رکن اساسی جامعه است و سلامت جامعه ناشی از سلامت خانواده است. از این رو، حفظ حرمت و حیثیت خانواده مورد تأکید دین و آموزه‌های اسلامی است و به همین دلیل کود جزا حمایت ویژه‌ای از حرمت و حیثیت خانواده نموده و افشای اسرار خانواده از طریق وسایل علنی را جرم‌انگاری کرده است. وسایل علنی مانند رادیو، تلویزیون، ماهواره، اینترنت، مکان‌های عمومی و غیره که در جز ۲ ماده ۴ کود جزا تعریف و مصادیق آن بیان شده است. (عاملی، ۱۳۶۰، ۲۱)

جرم افشای معلومات و سوء استفاده از هویت

ماده ۸۶۶: (۱) شخصی که بدون مجوز قانونی و به منظور ایجاد ضرر معلومات هویت شخص دیگری را که به آن دسترسی دارد یا آن را از سایر طریق به دست آورده با داشتن سوء نیت در فضای سایبر افشا نماید به حبس قصیر محکوم می‌گردد.

(۲) شخصی که عمداً معلومات مندرج فقره (۱) این ماده را به منظور ارتکاب جرائم جنایت یا جنحه سوء استفاده نماید به محازات جرم مرتکبه یا حبس متوسط یا هر کدام که بیشتر باشد محکوم می‌گردد. (ماده ۸۶۶ کود جزا)

همچنین در قانون جزا نیز آمده است که: هر شخصیکه به حکم وظیفه، کسب، پیشه، صنعت، فن و یا به لحاظ طبیعت کار خود بیک سری از اسرار علم حاصل نماید و آن را در غیر از حالات مصرحه قانون افشاء نماید و یا آن را به منفعت خود یا منفعت شخص دیگر استعمال کند، به حبس متوسط ایکه از دو سال بیشتر نباشد یا جزای نقدی که از بیست و چهار هزار افغانی تجاوز نکند محکوم می‌گردد. (وزارت عدلیه، قانون جزا مصوبه ۱۳۵۵، ماده ۴۴۵)

در نظام حقوق جزای افغانستان قانون‌گذار با جرم‌انگاری این اعمال به حمایت از معلومات هویت شخص در فضای سایبری پرداخته است. معلومات هویت شخص عبارت از معلوماتی است که مشخصات هویت فرد را تشکیل

داده و فرد توسط آن خصوصاً در فضای سایبری شناسایی می‌شود. این معلومات می‌تواند شامل معلومات مورد نیاز برای ورود به حسابات آنلاین و یا هم معلومات مورد نیاز برای استفاده از کردیت کارت و دبیت کارت مانند نمبر، پسورد و نمبر مسلسل امنیتی آن باشد و یا هم می‌تواند شامل سایر مشخصاتی باشد که فرد به واسطه آن در دوائر دولتی شناسایی می‌شود؛ مانند نمبر تی آی آن که تمامی معلومات مالیاتی فرد در همان یک حساب وجود دارد.

اهمیت حمایت از این نوع معلومات در این است که معلومات هویت شخص معیار شناسایی فرد خصوصاً در فضای سایبری می‌باشد. به‌طور مثال نام و آدرس ورود و رمز ورود به حساب فیسبوک و یا تویتر فرد از جمله معلومات هویت شخص است که توسط آن فرد زمانی که می‌خواهد وارد حساب شود شناسایی می‌شود. معیار شناسایی فرد در هر یک از حسابات همین معلومات هویت شخص می‌باشد نه فردی که در عقب کمپیوتر نشسته است. پس هر فردی که این معلومات را به دست بیاورد، می‌تواند از هریک این معلومات در فضای سایبری برای به دست آوردن منفعت یا ضرر به فرد استفاده نماید. به‌طور مثال در صورتی که فرد هویت شخص مربوط به کردیت کارت یک فرد را به نشر برساند هر فردی که آن را به دست آورد می‌تواند با استفاده از آن به خرید کالا از بازار آنلاین بپردازد.

شکل دیگر حمایت از این نوع معلومات که قانون‌گذار به آن پرداخته است جلوگیری از سوءاستفاده از معلومات هویت شخص برای ارتکاب جرم جنحه یا جنایت است. استفاده از این نوع معلومات می‌تواند به اشکال مختلف ارتکاب یابد. مثال عمده آن می‌تواند جعل هویت فرد و استفاده از آن برای انجام یک جرم دیگر باشد. به‌طور مثال الف با جمع‌آوری معلومات خصوصی افراد دست به باج‌گیری از آن‌ها با استفاده از اکونت فیسبوک فرد دیگر به باج‌گیری می‌پردازد. تفاوت نمی‌کند که این اکونت (حساب کاربری) را به شکل جعلی به نام و حساب فرد دوم و با استفاده از عکس و سایر مشخصات وی ساخته باشد

و یا معلومات هویت شخص را در یافت نموده و وارد اکونت واقعی وی گردیده باشد. (شرح کود جزا، جلد سوم، ۱۳۹۸، ص ۴۸۶-۴۸۷)

مصادیق این جرم دو نوع رفتار مجرمانه متفاوت (افشای معلومات هویت شخص و سوء استفاده از آن) می‌باشد. هریک از این رفتارهای مجرمانه دارای اجزای مشخص می‌باشد:

جرم افشای معلومات هویت شخص

این رفتار مجرمانه شامل عمل اجرایی بوده و به شکل مطلق پیش‌بینی گردیده است. برای تحقق این رفتار موجودیت اجزای ذیل لازم است:

اول، موضوع این جرم معلومات هویت باشد. موضوع این جرم معلوماتی می‌باشد که هویت فرد را تشکیل داده و فرد توسط آن خصوصاً در فضای سایبری شناسایی می‌شود. این معلومات معمول‌ترین و گاهی یگانه معیار شناسایی فرد در همان ساحه معین است. به‌طور مثال ایمیل آدرس یا نمبر تلفون و رمز ورود معلومات هویت فرد را برای ورود وی به اکونت فیسبوک یا تویترش تشکیل می‌دهد. به همین منوال نام و تخلص فرد، نمبر کردیت کارت، رمز ورود و نمبر مسلسل امنیتی معلومات هویت شخص را برای شناسایی وی در فضای سایبری و خود کردیت کارت و رمز ورود معلومات هویت شخص را برای شناسایی وی در فضای سایبری و خود کردیت کارت و رمز ورود معلومات هویت شخص را برای استفاده از کردیت کارت در ماشین‌های اتومات صرافی تشکیل می‌دهد.

بنابر این معلومات هویت شخص را نمی‌توان محدود به اسم و تخلص و یا معلومات خاصی مانند آن نمود. این نوع معلومات شامل دسته مشخصات متفاوتی می‌شود که در ساحات معین برای شناسایی شخص استفاده شده می‌تواند.

دوم، رفتار مجرمانه این جرم افشای معلومات در فضای سایبری است. جرم زمانی تحقق می‌یابد که فرد معلومات موضوع این جرم را در فضای سایبری افشا نموده باشد. تفاوت نمی‌کند که فرد این معلومات را از قبل به‌طور قانونی به

دسترس داشته باشد. مثلاً نماینده قانونی فرد و یا اینکه این معلومات را به طریق غیرقانونی مانند سرقت هویت به دست آورده باشد.

به همین منوال تفاوت نمی‌کند که فرد این معلومات را به فرد دیگر از طریق ایمیل و یا کدام برنامه مشخص دیگر افشا نموده باشد و یا هم در صفحات اجتماعی مانند صفحه فیسبوک وی یا تویتر به نشر رسانده باشد. از دیگر سو، این معلومات بدون مجوز قانونی افشا شده باشد. نشر معلومات هویت شخص در فضای سایبری زمانی مصداق این جرم پنداشته می‌شود که نشر و افشای آن بدون مجوز قانونی باشد. در صورتی که نشر کننده قانوناً مکلف به افشای آن باشد و یا حکم به نشر آن صورت گرفته باشد، عمل از حکم این ماده خارج است. به‌طور مثال اگر نماینده قانونی یک فرد یا شرکت قانوناً مکلف به افشای معلومات هویت شخص شود و آن را از طریق ایمیل به اداره یا فرد مربوطه افشا نماید، نماینده قانونی مرتکب رفتار مجرمانه این جرم نشده است. هم چنان اگر یک رسانه با استفاده از شبکه اجتماعی حکم شامل معلومات موضوع این جرم باشد رسانه مرتکب رفتار مجرمانه این جرم نگردیده است. (شرح کود جزا، جلد سوم، ۱۳۹۸، ص ۴۸۸-۴۸۷)

جرم سوء استفاده از معلومات برای ارتکاب جرم جنایت یا جنحه

این شکل رفتار مجرمانه نیز شامل عمل اجرایی و از نوع مطلق پیش‌بینی گردیده است. برای تحقق این رفتار موجودیت اجزای آتی لازم است:

اول، موضوع جرم معلومات هویت شخص می‌باشد. این رفتار مجرمانه نیز بالای معلومات هویت شخص واقع می‌گردد که قبلاً در توضیح شکل اول رفتار مجرمانه به توضیح آن پرداخته شد.

دوم، رفتار مجرمانه این جرم سوء استفاده از این معلومات است. جرم زمانی تحقق می‌یابد که فرد از معلومات موضوع این جرم به‌منظور ارتکاب جرم جنایت یا جنحه استفاده نماید. این نوع سوء استفاده می‌تواند به اشکال مختلف

مانند استفاده از حساب شبکه اجتماعی یک فرد یا ایمیل فرد به منظور باج‌گیری و یا هم ارتکاب جرائم علیه عفت و اخلاق عمومی ارتکاب یابد. تفاوت نمی‌کند که فرد این نوع معلومات را قبلاً در دست داشته باشد و یا هم به‌طور غیرقانونی به دست آورده باشد. مثال عمده این مورد می‌تواند استفاده از حساب شبکه اجتماعی یک شخص توسط شخص دیگر به‌منظور نشر و پخش فیلم و تصاویر غیر اخلاقی شامل حکم ماده ۸۶۷ کود جزا باشد. (شرح کود جزا، جلد سوم، ۱۳۹۸، ص ۴۸۸-۴۸۹)

نتیجه‌گیری

اسرار و رازها به مواردی اطلاق می‌شود که افشای آن‌ها به افراد، اشخاص، منافع عامه و امنیت کشور یا منافع ملی لطمه وارد می‌کند. امروزه، هنر تجسس و کسب اطلاعات از نیروها و امکانات دشمن در رأس مسائل مهم قرار گرفته است به‌طوری که دشمنان و بیگانه‌ها در دانشگاه‌ها دانشجویانی را در این زمینه پرورش داده و متخصص بار می‌آورند؛ زیرا پیروزی و برتری یافتن به دشمنان در گرو اطلاعات و آگاهی داشتن نسبت به نیروها و امکانات آن‌ها است.

اسرار هم شامل مسائل مرتبط با مسائل داخلی است و هم شامل اطلاعاتی از وضعیت فعالیت‌ها و امکانات دشمن می‌شود. افشای این اسرار در دین مبین اسلام با استناد به دلائل مختلف حرام و جرم خوانده شده است. قواعد فقهی متعددی وجود دارند که دلالت‌شان بر تحریم افشای اسرار تام و کامل می‌باشد؛ مانند قاعده لاضرر، حفظ نظام، تولی و تبری، تقیه، نفی سبیل و قاعده سلطنت که هر یک به تنهایی برای تحریم افشای اسرار کافی است.

در قانون نیز هم درباب اصول حقوقی، اصولی مانند خیانت، امنیت، مصلحت و... هم در باب قوانین موضوعه کشور، قوانین متعددی افشای اسرار را جرم خوانده شده است. طوریکه هرگاه نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را علماً و عادتاً در اختیار افرادی که صلاحیت

افرادی که صلاحیت دسترسی به آن‌ها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند، به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد نظر به کیفیات و مراتب جرم، به حبس و جریمه نقدی محکوم می‌شود. البته جزای این جرم با توجه به اهمیت اسرار و شخصیت افشاکننده و قصد و انگیزه وی و میزان تأثیرگذاری آن بر امنیت کشور تعیین می‌گردد. در مقابل، پرواضح است که مراقبت و تحت نظر گرفتن فعالیت‌ها و تحرکات نظامی و غیر نظامی دشمنان و بیگانگان و آگاهی یافتن به اسرار نظامی و اقتصادی آنان و کسب اطلاعات درباره توانای‌ها و شمار آنان از مهم‌ترین اسباب غلبه و پیروزی بر دشمن است.

بدین ملحوظ، افشای اسرار از منظر فقه و قانون جزای افغانستان مورد نکوهش قرار گرفته است. طوری که از دید فقه به تحریم آن فتاوا صادر شده و از منظر قانون جزای افغانستان نیز زشت و ناپسند تلقی شده و مرتکب آن را تحت تعقیب عدلی و مجازات قرار داده است.

افشای اسرار از دیدگاه فقه امامیه که منجر به سلب حیثیت، آبرو و نیز منافی مصلحت جامعه باشد، حرام شمرده شده است. همین گونه در فقه حنفی نیز افشای اسرار مذموم شمرده شده و حرام کرده شده است. البته از منظر فقه حنفی نیز افشای اسراری که سبب هتک حرمت، جاسوسی، خیانت، از بین رفتن حیثیت و آبروی صاحب اسرار و مضر به امنیت جامعه و کشور باشد حرام گفته شده و مرتکب آن باید از سوی حاکم اسلامی به کیفر برسد؛ اما افشای اسراری نیز است که جواز داده شده است. همین گونه در قانون جزایی افغانستان نیز پدیده افشای اسرار زشت و ناپسند تلقی شده و افشاکننده آن به حبس متوسط، حبس قصیر، جریمه نقدی و یا هردو (حبس و جریمه) محکوم می‌شود. البته نظر به نوعیت و اقسام افشای اسرار و با در نظر داشت ضرر وارده از سوی محکمه تصمیم اتخاذ می‌شود.

منابع

قرآن کریم

۱. ابراهیم عاملی، تفسیر عاملی، ج ۱، تهران، انتشارات صدوق، ۱۳۶۰.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴.
۳. ابن هشام، ابو محمد عبدالملک، السیره النبویه، بیروت، دارالمعرفه، ج ۲، بی تا.
۴. ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم، الخراج، مصر، مطبعه السلفیه، ۱۳۹۶.
۵. احمد فردین بختیاری، واکاوی عناصر تکوینی جزایم سایبری در پرتو کود جزای افغانستان، ۲۰۱۹، کابل، پوهتون کاردان.
۶. اردبیلی، احمد بن محمد، زبده بیان فی احکام القرآن، تهران المکتبه الجعفریه لاحیاء الآثار الجعفریه، بی تا.
۷. استوارت میل، جان، درباره آزادی، ترجمه جواد شیخ الاسلامی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، مرکز انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۶۲.
۸. انصاری، محمد علی، الموسوعه الفقهیة المیسره، ج ۴، قم، مجمع الفکر الاسلامی، بی تا.
۹. انیس، ابراهیم و دیگران، کتاب معجم الوسیط، چاپ چهارم، تهران، مکتب النشر الثقافه الاسلام، ج ۱، بی تا.
۱۰. ایرج، گلدوزیان، حقوق جزای اختصاصی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، چاپ دوازدهم.
۱۱. اثری تهرانی، میرسید علی، مقتنیات الدرر و مقتنیات الثمر، ج ۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۷.
۱۲. بخاری، ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم، صحیح البخاری، ضبطه و رقمه و وضع فهارسه الدكتور مصطفی ادیب البغا، بیروت: مؤسسه الخدمات الطباعه (۱۹۸۰: ۱۴۰۰).
۱۳. برقی، ابو جعفر، المحاسن، قم، دارالکتب الإسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱.
۱۴. بغدادی، ابو عبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکیری، شیخ مفید الارشاد فی

- معرفه حجج الله علی العباد، ج ۲، بی تا.
۱۵. تجویری، محمد بن ابراهیم، مختصر فقه اسلامی، (اهل سنت)، مترجم: محمد گل گمشاد زهی، ۱۳۹۶، نشر اول (دیجتل)، کتابخانه قلم.
 ۱۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰.
 ۱۷. تهرانی، مجتبی، اخلاق الهی، آفات زبان، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، ج ۵ بی تا.
 ۱۸. جبعی العاملی، زین الدین (شهید ثانی جبعی العاملی، (رسائل، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۷۴.
 ۱۹. جعفری لنگرودی، محمد جعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، انتشارات ابن سینا، ۱۳۴۶.
 ۲۰. جلال الدین احمد بن احمد محلی و جلال الدین عبدالرحمن بن سیوطی، تفسیر جلالین، مترجم، حسین رستمی، ارومیه، خیابان شهید مطهری، موسسه انتشاراتی حسینی اصل، سال، ۱۳۹۱.
 ۲۱. جمعی از پژوهشگران تحت نظر محمود هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، بی تا.
 ۲۲. قانون جزای افغانستان، مصوب ۱۳۵۵.
 ۲۳. قانون مجازات اسلامی ایران، مصوب سال، ۱۳۷۵.
 ۲۴. قانون مجازات جرائم نیروهای مسلح.
 ۲۵. قرائتی، محسن، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن، ج ۲، ۱۳۸۳.